

خرد جمعی و همکاری علمی در تولید علم: چرا، چگونه؟

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۱۷۳۵-۵۲۰۶
شاپا (الکترونیکی) ۵۵۸۳-۲۰۰۸
نمایه در SCOPUS، LISA و ISC
<http://jst.irandoc.ac.ir>
دوره ۲۶ | شماره ۱ | صص ۱-۳
پائیز ۱۳۸۹

مفهوم خرد جمعی اکنون به عنوان اصلی خدشه ناپذیر در جوامع پیشرفته، پذیرش همگانی یافته است. بدون تردید، پدیده جهانی شدن و رشد فزاینده ارتباطات اجتماعی در گستره جهانی لزوم توجه به این اصل را بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است. بر این اساس، بسیاری از جوامع، دولت‌ها، نهادها و انجمن‌ها می‌کوشند تا شرایط را برای رسیدن به خرد جمعی فراهم سازند زیرا پیامدهای سودمند آن را باور دارند. در این میان، دانشگاه‌ها به منزله مهم‌ترین نهادهای آموزشی، پژوهشی و تولید علم نقش بی‌بدیلی دارند و تلاش می‌کنند تا ساز و کار مناسب را برای تحقق خرد جمعی در عرصه‌های نظری و عملی فراهم کنند. در همین رابطه است که مفاهیمی چون اشتراک دانش و روابط میان رشته‌ای مطرح می‌شود. بی‌تردید یکی از راه‌های عملی کردن این مفاهیم، همکاری‌های علمی پژوهشگران با هم به منظور استفاده از دانش، امکانات و مهارت‌های موجود در دانشمندان هم رشته یا دیگر رشته است. از این رو، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تحقق عملی خرد جمعی، همکاری علمی است که خود در قالب پژوهش‌های مشترک، و به ویژه مقاله‌ها و کتاب‌های مشترک میان اعضای هیئت علمی رواج دارد.

در مقایسه با گذشته، می‌توان مشاهده کرد که حجم و گستره همکاری‌های علمی در سطح دانشگاه‌ها افزایش یافته است. برون‌داد این تحول را می‌توان در افزایش تعداد مقاله‌های چندنویسنده‌ای که در مجله‌های علمی - پژوهشی انتشار یافته و می‌یابد ردگیری کرد. در این زمینه مطالعات زیادی صورت گرفته و الگوهای متعددی معرفی شده است. بررسی وضعیت موجود همکاری‌های علمی بر اساس الگوهای موجود در واقع نشان دهنده همان شرایط و سازوکارهای فراهم در دانشگاه‌ها برای همکاری علمی است.

از سوی دیگر، مقایسه وضعیت موجود در این زمینه در دانشگاهها می‌تواند بیانگر راهبرد و رویکرد هر دانشگاه در توسعه همکاری‌های علمی باشد. با توجه به مسئله رتبه‌بندی دانشگاهها بر اساس تولید علم، اهمیت استفاده از الگوهای مناسب برای ترویج همکاری‌های علمی بسیار افزایش یافته و غفلت از آن موجب افت رتبه علمی دانشگاهها خواهد شد.

در همین راستا، شناخت الگوهای همکاری میان متخصصان، تشخیص ساختار شبکه‌های پژوهش و تألیف مشترک برای عرضه خدمات اطلاع‌رسانی و شناسایی الگوهای رفتارهای اطلاع‌یابی و تولید علم متخصصان امری ضروری است. الگوهای گوناگونی برای همکاریهای علمی وجود دارد (رحیمی و فتاحی ۱۳۸۶):

الف) همکاریهای علمی درون رشته ای

- همکاری علمی درون گروهی - درون مؤسسه‌ای: نوع ۱ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی هم رشته (هم گروه) در درون یک دانشکده از دانشگاه است.
- همکاری علمی درون رشته ای - درون منطقه ای: نوع ۲ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان هم رشته در همان استان یا منطقه است.
- همکاری علمی درون رشته ای - برون منطقه‌ای: نوع ۳ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان هم رشته در سایر استانهای کشور است.
- همکاری علمی درون رشته‌ای بین المللی: نوع ۴ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان هم رشته در سایر کشورهای جهان است.

ب) همکاریهای علمی برون رشته ای

- همکاری علمی برون رشته ای - درون مؤسسه‌ای: نوع ۵ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان در رشته‌های (گروههای) متفاوت در درون یک دانشکده از دانشگاه است.
- همکاری علمی برون رشته ای - درون سازمانی: نوع ۶ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان از رشته‌های (گروههای) متفاوت دیگر در درون همان دانشگاه است.
- همکاری علمی برون رشته ای - درون منطقه ای: نوع ۷ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان از رشته‌های (گروههای) متفاوت در داخل استان یا منطقه است.
- همکاری علمی برون رشته ای - برون منطقه‌ای: نوع ۸ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان از رشته‌های (گروههای) متفاوت در سایر استانهای کشور است.
- همکاری علمی برون رشته ای - بین المللی: نوع ۹ که شامل همکاری علمی اعضای هیئت علمی یک دانشگاه با متخصصان از رشته‌های متفاوت در سایر کشورها است.

ج) همکاری علمی با افراد در سایر موقعیتها و یا سایر سازمانهای اجتماعی: نوع ۱۰ که منظور همکاری علمی با افراد غیر عضو هیات علمی و یا سایر سازمانهای اجتماعی است که خود از سه نوع کلی تشکیل می شود، شامل:

۱) همکاری با دانشجویان، ۲) همکاری با غیر دانشجویان، ۳) همکاری با سازمانها

بدین معنی که امکان دارد متخصصان در پژوهشهای خود نیاز به همکاری با افرادی که در موقعیتهای نامشابه یا در مشاغل دیگر در درون سازمان مشغول به کارند (دانشجویان، کارمندان، کتابداران و ...) و یا متخصصانی که در سازمانها و مؤسسه‌های پژوهشی دیگر کار می کنند، پیدا کنند؛ از این رو نوع دیگری از همکاریهای علمی به این صورت شکل می گیرد.

در عین حال، چالشهایی در گسترش همکاریهای علمی وجود دارد: با وجود تلاش و سرمایه گذاری بسیاری از دانشگاههای ایران برای همکاری علمی و پژوهشی با دانشمندان کشورهای دیگر و حتی تأسیس اداره همکاریهای علمی و بین‌المللی در بیشتر دانشگاهها، متأسفانه آئین نامه کنونی ارتقای اعضای هیئت علمی ارزش کمتری برای مقاله‌های مشترک در نظر گرفته است. در مقایسه با آئین نامه وزارت علوم مبنی بر امتیاز بیشتر به مقاله‌های تک نویسنده ای، مجلات معتبر خارجی مقالات تک نویسنده‌ای را کمتر می پذیرند یا اصولاً برخی مجله‌ها این گونه مقاله‌ها را نمی پذیرند و مقالات چند نویسنده‌ای را ترجیح می دهند؛ آنها بر این باورند که اثری که با مشارکت چند متخصص به رشته تحریر در آمده (برآیند خرد جمعی)، به احتمال زیاد معتبرتر از اثری است که توسط یک نویسنده (محصول خرد فردی) تولید شده است. همچنین نتایج پژوهشها نیز نشان داده که مقالات تک نویسنده ای در مقایسه با مقالات چند نویسنده‌ای کمتر مورد استناد (استفاده) واقع می شوند.

با توجه به ضرورت و مزایای همکاری علمی در تولید علم، لازم است راهبردهای همه دانشگاهها و مراکز پژوهشی داخلی بر توسعه سازوکارهای لازم از جمله تدوین آئین‌نامه‌های جدید یا بازنگری در آئین‌نامه‌های موجود، تأمین بودجه بیشتر برای طرح‌های مشترک، اعطای امتیاز بیشتر به مقاله‌های چند نویسنده‌ای و مانند آنها سوق داده شود. در این زمینه، هیئت‌های تحریریه و به ویژه سردبیران مجله‌های علمی-پژوهشی می توانند وزن بیشتری به مقاله‌های چند نویسنده‌ای داده و اعتبار نشریه خود را بالا ببرند. استادان مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز می توانند دانشجویان این مقاطع را به انجام کارهای مشترک و نشر مقاله‌های مشترک تشویق کنند. بدون تردید، حرکت در این راستا دستاوردهای بزرگی برای جامعه علمی و دانشگاهی ایران خواهد داشت و رتبه ایران را در تولید علم حاصل از خرد جمعی ارتقا خواهد بخشید.

رحمت الله فتاحی

رحیمی، ماریه و رحمت الله فتاحی. ۱۳۸۶. همکاری علمی و تولید اطلاعات: نگاهی به مفاهیم و الگوهای رایج در تولید علمی مشترک. فصلنامه کتاب ۱۸ (۳): ۲۳۵-۲۴۸